

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۱۴

جمعه ۱۲ خرداد ۱۳۹۶، ۲ ژوئن ۲۰۱۷

## آتنا به اولین خواستش دست یافت آتنا باید فوراً آزاد شود!

ایستادگی آتنا دائمی بر خواست خود مبنی بر تبرئه خود و دو خواهرش انسبه و هانیه که به سه ماه و یک روز زندان به اتهام توهین به ماموران سپاه محکوم شده بودند به نتیجه رسید. دستگاه قضایی تسلیم شد و این حکم روز دهم اردیبهشت لغو شد و آتنا به ۵۴ روز اعتصاب غذای خود پایان داد. آتنا اما با اتهامات دیگری به هفت سال زندان محکوم شده است و از مهر ۹۳ در زندان به سر میبرد.

هرچند آتنا همچنان در زندان است اما همین حد از عقب نشینی دستگاه قضایی در مقابل آتنا و افشاکاری های او یک موفقیت درخشان برای آتنا و خواهرانش و یک موفقیت در امر مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه سیستم غیر انسانی قضایی حکومت است. این موفقیت را به آتنای عزیز، به دو خواهرش پدر و مادر عزیزش و همچنین سازمانها و مردم آزادیخواهی که فعالانه از او حمایت کردند صمیمانه تبریک میگوییم.

اما آتنا همچنان در زندان است و باید آزاد شود. او جرمی نکرده است. او از کودکانی که این نظام از همه چیز محرومشان کرده است، از زنانی که قوانین اسلامی آنها را به بند کشیده است دفاع کرده و علیه مجازات ضد انسانی اعدام اعتراض کرده است. آتنا با انتشار نامه ای که به مناسبت اولین موفقیت خود نوشته است بقول خودش صدای دهها زندانی سیاسی شده که به جرم حق خواهی، به جرم اعتراض به زندان یا اعدام عزیزانشان به زندان افتاده اند. آتنا یک فعال پرشور مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی است. مردم آتنا را دوست خود و مدافع حقوق خود میدانند و مقامات و قوانین و ارگانها و حکومتی را مجرم میدانند که امثال آتنا را مجرم می‌شمارند. آتنا باید فوراً آزاد شود. اسماعیل عبدی و کلیه زندانیانی که آتنا در نامه اش اسم برده است و کل زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را باید گسترش داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ خرداد ۱۳۹۶، ۱ ژوئن ۲۰۱۷

## نامه آتنا

### از بند زنان زندان اوین

صفحه ۳

## ادعاها و کشاکشهای پسا انتخاباتی

مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۲

با شهلا دانشفر در برنامه گفتگو در کانال جدید

## سازمان جهانی کار، اهداف و سیاستها

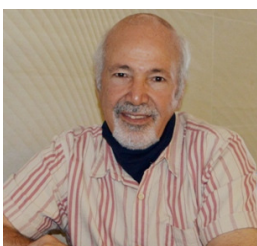
صفحه ۵

## تراپ و تغییر سیاست در آمریکا

مصاحبه با علی جوادی

صفحه ۴

## این بار جناح خامنه ای مدعی تقلب شد



### کاظم نیکخواه

جناح مقابل بوده است که به تقلب در انتخابات اعتراض کرده است. حقیقت اینست که جناح غالب تاکنون حتی نیاز چندانی به آمار و رای هم نداشته است. هر کس را که خامنه ای و شرکا خواسته اند از صندوق بیرون کشیده اند.

یک رویداد قابل توجه در انتخابات حکومتی اخیر در ایران، تضعیف آشکار موقعیت خامنه ای بود که خود را نه فقط آشکارا در نتیجه انتخابات بلکه در نحوه طرح مساله تقلب نیز نشان میداد. تضعیف خامنه ای بر خلاف تبلیغات ملی اسلامی ها و نیروهای حاشیه حکومت فقط به موقعیت شخص خامنه ای محدود نیست، بلکه بازتابی از تضعیف کل حکومت است. در تمام انتخاباتهای تاکتونی معمولاً این جناح خامنه ای بوده است که قوانین بازی را تعریف کرده و بیش از همه تقلب کرده و نتیجه را به نفع خود تغییر داده است. و این

اما در انتخابات اخیر نکته جالب این بود که برخلاف قبل این رئیسی کاندید مورد حمایت خامنه ای بود که به تقلبات وسیع در انتخابات اعتراض کرد. رئیسی، نامزد دولت «تخلفات مهندسی شده» در انتخابات کرد و گفت که رسیدگی نکردن شورای نگهبان به این «تخلفات» به «اعتماد مردم آسیب» می زند. رئیسی روز

یکشنبه هفتم خرداد، در یک سخنرانی در مشهد، اتفاقات انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ را «بی سابقه» خواند و گفت که «تخلفات مهندسی شده در انتخابات زیاد بود» او مدعی شد که «تمام امکانات وزارتخانه ها و استانداریها و بهداریها در خدمت ستاد انتخاباتی کاندیدای دولت قرار گرفت». ابراهیم رئیسی و رئیس

صفحه ۹

## کارگران در هفته ای که گذشت

صفحه ۶

## جنایت هولناک تروریستی

در کابل محکوم است

صفحه ۱۰

## قرار در مورد مبارزه علیه تخریب محیط زیست

صفحه ۱۰

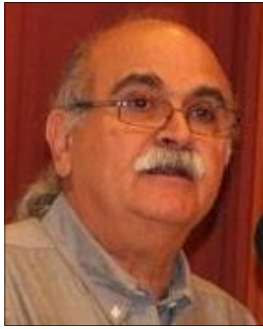
## آتنا دائمی و اسماعیل عبدی

باید فوراً آزاد شوند

صفحه ۹

# ادعاها و کشاکشهای پسا انتخاباتی

## مصاحبه با حمید تقوایی



انتخابات حتی در مورد بخش عمده کسانی که به روحانی رای دادند، امید به تضعیف کل این نظام تروریستی در ایران و در منطقه بود و نه هیچ توهمی به "تدبیر و امید"ی که از همان اولین روزهای دوره اول ریاست جمهوری "حسن کلید ساز" به سوژه جوك و تمسخر مردم تبدیل شد.

کلا همانطور که بالاتر اشاره کردم در معرکه ای که تحت نام انتخابات در ایران برگزار میشود این نوع انگیزه شناسی ها در مورد شرکت یا عدم شرکت مردم نمیتواند موضوعیتی داشته باشد. مردم بدلیل مختلفی پای صندوقها رفتند. کسانی بخاطر نه گفتن به خامنه ای و تضعیف "عمود خیمه اسلام" به روحانی رای دادند، کسانی بخاطر نزدیکی بیشتر با غرب و شیوه زندگی مدرن و امروزی، کسانی بخاطر دامن زدن به کشمکش میان جناحهای حکومتی و بخشی هم بخاطر نگرانی از خطر جنگ و عراقیزه شدن اوضاع. البته اقلیتی هم بخاطر توهم به اصلاحات به روحانی رای دادند، همچنانکه توهم به مستضعف پناهی رئیسی هم لایه مقداری رای برای او جمع کرده است، اما خصلت نمای رای مردم رای سلبی به خامنه ای و به این اعتبار تقابل آنها با کل حکومت بود. این نتیجه ای است که نه از بررسی آمار انتخابات و انگیزه شناسی رای دهندگان بلکه از کل تحولات و روندهای سیاسی در جامعه و جدال همیشگی که بین مردم با حکومت در جریان است حاصل میشود. وضعیت سیاسی و نبض جامعه را میلیونها مردمی - که با احتمال زیاد بسیار بیشتر از ۱۶ میلیون مورد ادعای حکومت است - نمایندگی میکنند که در انتخابات شرکت نکردند.

صفحه ۷

جمهوری روحانی است. کشمکشی که همانطور که همیشه تاکید کرده ایم، خود در نارضائی گسترده مردم از وضع موجود و تعرض جامعه به حکومت ریشه دارد.

**انترناسیونال:** برخی طرفداران روحانی "ثبات و امنیت جامعه" را یکی از دستاوردهای "دولت تدبیر و امید" میدانند و مدعی هستند ترس از بروز جنگ و از برقراری تحریمها و سخت تر شدن وضعیت زندگی عامل موثری در انتخاب مجدد روحانی بوده است. به نظر شما این عامل چه جایگاهی در شرکت مردم در "انتخابات" داشت؟

**حمید تقوایی:** ادعای ثبات و امنیت رژیم رکورد دار اعدام و پرونده سازی امنیتی علیه فعالین جنبشهای حق طابانه را باید بحساب وقاحت آخوندی مدعیانش گذاشت. ممکن است بخشی از مردم در هراس از جنگ و بدتر شدن اوضاع به روحانی رای داده باشند اما این نشانه رضایت از وضع موجود نیست، برعکس بیانگر بی اعتمادی مردم به وضعیت ناپایدار و بی ثباتی است که جمهوری اسلامی در ایران و در منطقه ایجاد کرده است. مردم خط و سیاست خامنه ای و اصولگرایان را مسئول و عامل مستقیم ضد آمریکائی گری و غربستیزی رژیم میدانند - از این نقطه نظر نیز رای از روی هراس را باید رای نه به خامنه ای دانست - اما اساس مساله و ریشه ناضائی مردم - حتی در هراس از خطر جنگ - اسلامیت حکومت و نفس موجودیت جمهوری اسلامی است. مردم نه تنها از دخالتگریها و اقدامات تروریستی رژیم در منطقه "در هراس" هستند، بلکه مهمتر از آن از تروریسم اسلامی در خود جامعه که با چوبه دار و شلاق و قصاص اسلامی به سراغ زنان و کارگران و جوانان حق طلب میرود و هر جوانه آزادیخواهی و آزاد اندیشی را زیر سایه سیاه اسلام خفه میکند، بجان آمده اند. عامل تعیین کننده در برخورد مردم به

طلبی توده مردم "در شماره گذشته"، در آن مصاحبه تاکید بر این بود که گرچه برای نشان دادن مشارکت وسیع مردم آمار را نمیتوانند بالا ببرند - و چانه زنی های پسا انتخاباتی مقامات بر سر تعداد آرا تردیدی در این باقی نمیگذارد - ولی نمیتوانند نتیجه را تغییر بدهند چون انسجام و یکپارچگی لازم را برای بند و بست و توافق ندارند.

کشمکشی که در همین هفته اخیر بر سر تعداد و نسبت آرا بین جناحهای حکومتی در گرفته است تاکید بر این واقعیت است. رئیسی از "تخلفات مهندسی شده" به نفع روحانی صحبت میکند، موحلی کرمانی ادعا میکند سه میلیون رای باید از حساب روحانی به حساب رئیسی ریخته بشود، جنتی دبیر شورای نگهبان میگوید "تخلفات بسیاری" در انتخابات اتفاق افتاده است و کیهان شریعتمداری هم از "تخلفات گسترده ستاد روحانی" شکایت میکند. اما هیچیک بقول خودشان "سلامت انتخابات" را بزیر سؤال نمی برند. از انفجار جامعه می ترسند. علیرغم همه این شوکائیها، شورای نگهبان رسماً نتیجه انتخابات را تأیید کرده است و موحلی کرمانی هم لازم میبیند تصریح کند "تخلفات ادعایی در حلی نیست که نتیجه نهایی انتخابات را تغییر دهد". این حمله نیم کلاج اصولگرایان و پیروان دو آتشه ولی فقیه به جناح روحانی تا حد باطل اعلام کردن انتخابات به

پیش نمی رود چون از تکرار ۸۸ میترسند. اگر میتوانستند چنین کنند در همان ابتدا رئیسی را از صندوق بیرون می آوردند و یا لاقول انتخابات کذائیشان را به مرحله دوم میکشانند. این شکایتها و ابراز شک و تردیدها در مورد "تخلفات انتخاباتی" اساساً تلاشی برای به عقب راندن و تضعیف روحانی و جناحش در دور تازه است. این پرده اول تشدید کشمکش میان جناحهای حکومتی در دوره دوم ریاست

گیریهای سیاسی که معمولاً بر اساس نتایج يك انتخابات واقعی میتوان بدست داد، مثل روی آوری جامعه به این یا آن حزب و یا پلانفرم و برنامه انتخاباتی نامزدها و غیره، در جمهوری اسلامی اساساً موضوعیتی ندارد. شاخص "برخورداری مردم از شغل و معیشت مناسب" اعتراضات وسیع و گسترده کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان علیه دستمزدهای يك چهارم خط فقر است و نه نتایج انتخاباتی که حتی خودشان هم قبول ندارند.

اگر مضحکه انتخابات در ایران نشانه چیزی باشد بیانگر منزوی و بی اعتبار بودن حکومت در جامعه و ترس و وا همه حکومتی ها از به خیابان ریختن میلیونهای مردم است و بس.

نکته آخر اینکه همانطور که در اطلاعیه حزب هم اعلام شده روحانی حتی نماینده کسانی که به او رای داده اند، نیست. اگر انتخابات آزاد در ایران وجود میداشت امثال روحانی و دیگر ارتجاعیون از صافی شورای نگهبان گذشته يك چند هزارم این هم رای نمی آوردند.

خصلت نمای اوضاع سیاسی ایران انتخاباتهای دست ساز آخوندی میان جناح های حکومتی نیست، بلکه جدالی بیوقفه بین توده مردم و جمهوری اسلامی است. این جدال است که به همه تحولات در ایران از جمله به معرکه های انتخاباتی حکومت شکل میدهد.

**انترناسیونال:** به کشمکشهای حکومتی ها بر سر آمار انتخاباتی اشاره کردید. آیا این نشانه تقلب گسترده در انتخابات نیست؟

**حمید تقوایی:** در تقلبی بودن آمار و ارقام حکومتی نمیتوان تردیدی داشت اما همانطور که در مصاحبه هفته قبل توضیح دادم حکومت بهم ریخته تر و نامنسجم تر از آنست که بتواند با تقلب نتیجه انتخابات را تغییر بدهد. (رجوع کنید به "انتخابات حکومتی و سرنگونی

**انترناسیونال:** روزنامه سیاست روز که طرفدار روحانی است در سرمقاله یکی از شماره های اخیر خود آمار ۲۳ میلیون رای به روحانی را دلیل این دانسته است که همه این تعداد از شغل و معیشت مناسب برخوردارند. و چون رضایت داده اند در چهار سال آینده حق اعتراض برای آنها وجود نخواهد داشت. نظر شما درباره این استدلال چیست؟

**حمید تقوایی:** این نوع ارزیابی ها از انتخابات حکومتی و نتایج آن، بر خلاف قصد و نیت مدعیانش، تنها ضعف و تزلزل حکومت را نشان میدهد. میگویند حق اعتراض ندارید چون میدانند اعتراضاتی که از هر گوشه جامعه میجوشد بعد از معرکه انتخابات حکومتی قوی تر و گسترده تر ادامه خواهد یافت. اما حتی اگر اعتراض و مبارزه ای هم در جامعه وجود نمیداشت این نوع نتیجه گیریهای آماری پوچ و بی معنی میبود. اولاً ۲۳ میلیون آمار خودساخته حکومتی است که در عددسازی به نفع خود ید طولانی دارد. این بار آش چنان شور است که خودشان به زبان آمده اند. خود مقامات و کاندیداها دارند در مورد مهندسی و تخلفات انتخاباتی و اینکه چند میلیون رای جابجا شده و روحانی کمتر رای آورده و یا برعکس آرای رئیسی را برای آبروداری بالا برده اند و غیره، به سر و کله یکدیگر میکوبند. بر اساس آمار ساختگی که حتی خود حکومتی ها بر سرش توافق ندارند به هیچ نتیجه ای نمیتوان رسید بجز بهم ریختگی و آشفتگی صفوف حکومت.

ثانیا حکم صادر کردن بر مبنای نتایج "انتخاباتی" که با هیچ معیاری انتخابات نیست پوچ و بی اساس است. مستقل از اینکه آمار رای دهندگان چه باشد آنچه حکومتی ها "انتخابات" مینامند حتی بر مبنای ابتدائی ترین موازین سیاسی و مدنی انتخابات نیست، جابجائی پست ها و مقامات بین خودی ترین رجال حکومتی است. لذا نتیجه

# نامه آتنا از بند زنان زندان اوین



مددزاده، ژیلابنی یعقوب و بهمن امویی، نیکا و نوا خلوصی، کیوان و کامران رحیمیان و فاران حسامی باشم، صدای شمیمس مهاجر و شهاب دهقان و خواستم صدای پرستو فروهر و معصومه دهقان باشم صدای سیامک و باقر نمازی محبوس در انفرادی!

خواستم صدای تک تک کسانی باشم که از عدم امنیت، پس از آزادی ترک وطن کردند، چه کسی جز آنها و خانواده هایشان عمق سختی های تبعید اجباری را درک کردند؟! من با تمام وجود حتی خواستم صدای شکسته شدن سنگ قبر مادر شاهین نجفی باشم تا بگویم نه تنها ما منتقدین و مخالفین و زندانیان سیاسی در عدم امنیت به سر میبریم بلکه اعضای خانواده مان نیز علاوه بر تهدید و توهین و فشارهای ناشی از آزار عزیزانشان تحت خطر بازداشت و حبس هستند.

پنجاه و چهار روز پیش در حالی اعتصاب غذایم را شروع کردم که نیخواستم بار مضاعفی بر دوش هم بنویسم درد کشیده ام باشم اما در آن روزهایی که تشنه قطره ای آب بودم، میدیدم که آنها هر روز و هر لحظه با تهوع های مداوم با من زندگی را بالا آورده اند! شرمسار بودم از دیدن درد کشیدنم، فریادهای اعتراضشان به بی توجهی مسئولین و بهداری اوین به وضعیت جسمانی ام دیوارهای بند را لرزاند، تهدید و تنبیه شدند اما تنهام نگذاشتند، در برابر یک به یک آنها سر تعظیم فرود می آورم.

پنجاه و چهار روز در حالی در اعتصاب غذا بودم که علاوه بر وخامت حالم پله های دادسرا و دادگاه ر بی تفاوتی مسئولین به وضعیتم، تازیانه ای شد بر تمام وجود اعضای خانواده ام، خانواده ای که ذره ذره با من آب شدند ولی با مقاومت کم نظیرشان و با همراهی شجاعانه شان ایستادند و صدایم شدند، از سوی وزارت اطلاعات تهدید شدند اما همچنان همراهی ام کردند، بوسه میزنم بر پاهای خسته پدرم و دستان مادرم که مادرانه مینوشت، بوسه میزنم بر چشمان

بودند و آلت دست دولتمردان، قطعاً حالا آزاد بودند و صدای سازشان گوش دنیا را کر کرده بود! خواستم صدای زوجهای زندانی چون آفرین نیساری و کارن وفاداری باشم که اوین شده خانه مشترکشان، صدای آرش و گلرخ، آرش که با داغ قتل مادر توسط امنیتی ها حالا زندگی مشترکش با گلرخ با حبسی سنگین بر دوش زیر سقف بندهای اوین سپری میشود، خواستم صدای خانواده دانشپورها باشم، صدای پدر و مادر بهنود رضانی که پرسیدند چرا فرزندانم کشته شد و به حبس محکوم شدند، خواستم صدای منصوره بهکیش باشم که پرسید چرا ۶ خواهر و برادرم تیرباران شدند و قبرشان کجاست اما با حبس سنگین پاسخ شنیدم یا خانواده زینالی که پرسیدند سعیدمان کجاست ولی بازداشت و زندانی شدند، خواستم صدای مادرمان شهناز باشم که گفت پسر را کشتید و حالا به جای مجازات آمران و عاملان قتل مصطفی، زندانیان سیاسی را آزاد کنید اما خودش یکی از آنها شد، خواستم صدای پیمان عارفی باشم که مظلومانه مادر و همسرش را در راه ملاقات زندان از دست داد یا مادر محسن قشقای، خواستم صدای زانیار و لقمان مرادی باشم زانیاری که حبس بی ملاقات را به عذاب پدر و مادر ترجیح میدهد و جوانی اش زیر تیغ اعدام چه تلخ میگذرد! خواستم صدای تک تک زندانیان کردی باشم که غیورانه برای حفظ حرمت و ناموس و برای دور نگه داشتن خانواده از افکار پلید و تهدیدهای امنیتی به هر شکنجه و اعتراف اجباری تن دادند و راهی چوبه دار شدند، عزیزی چون برادران دهقانی و بهرام و شهرام و حامد احمدی، و چه تلخ آمار بازداشت طایفه حسین پناهی ها در کردستان روز به روز افزایش می یابد! خواستم صدای مریم النگی باشم که همسرش محسن دکمه چی از بی توجهی در زندان جان داد و حالا مریم به خاطر توجه به همسرش در زندان است، خواستم صدای شبینم و فرزاد

اعتصاب غذا کردم که صدای بی صدایان باشم اعتصاب غذا کردم که صدای بی صدایان باشم، ابتدا پدرم را مورد آزار قرار دادند و بعد در پرونده جدید خواهرانم را به حبس محکوم کردند، حبسی ناعادلانه و کاملاً خلاف قوانین خودشان، تنها برای آزار و سکوت من. به عالیجنابان گفته بودم چه یک روز و چه یک سال، چه تعلیق و تعزیر بودن آن تفاوتی ندارد به نفس عمل گروگان گیری خانواده زندانی سیاسی و جانباخته راه آزادی اعتراض خواهم کرد و در این راه از مرگ هراس نیست و مرگ آخرین سنگرم!

خواستم صدای تمام کسانی باشم که در تمام این سال ها خانوادگی گرفتار ظلم و جور شدند، خواهرانم بهانه ای بودند تا صدای مریم و رضا اکبری منفرد باشم که سی و نه سال پیش چهار خواهر و برادرشان تیرباران و امروز آن ها به جرم دادخواهی در زندانند، مریمی که بعد از هشت سال حبس بی مرخصی به تازگی توسط مامورین امنیتی احضار و تهدید به حبس مجدد شده، گویی سایه ۱۵ سال حبس ناعادلانه مادر بر سر سه دختر نوجوانش کم است! خواستم صدای فاطمه مثنی باشم که ۱۳ ساله بود زندانی شد و سه برادرش اعدام شدند و حالا باز هم او و همسرش حسن صادقی هر کدام با ۱۵ سال حبس در زندانند، خواستم صدای فریبا کمال آبادی و مهوش شهریاری باشم که ۱۰ سال از حبسشان می گذرد و حتی نتوانستند در ازدواج فرزندانشان حضور یابند، خواستم صدای مادران زندانی باشم، صدای الهام فراهانی و عادل نعمیمی زوج زندانی که به تازگی پسرشان شمیم را بعد از ۴ سال از زندان بلرغه آزادی کردند. خواستم صدای آریتا رفیع زاده و پیمان کوشکباغی باشم که تنها فرزند ۷ ساله شان بشیر بین اوین و رجایی شهر سرگردان است و خاطرات کودکی اش در زندان به ثبت میرسد! خواستم صدای مهدی و حسین هنرمندی باشم که برادرانه با هم حبس میکشند و اگر هنربند

فریادتان با شعر و ترانه و نقاشی و به هر طریق ممکن پیروزی را رقم زدید، که برای همه ما شیرین است، از تمامی نهادهای حقوق بشری ممنتونم.

من پس از پنجاه و چهار روز اعتصاب غذا به همراه شما موفق شدم که حکم تبرئه خواهرانم را به دست آورم و این آغاز راه است، آغاز راه ایستادن در برابر آزار و اذیت خانواده های زندانیان سیاسی یا خانواده های جانباختگان. با کسب موفقیتی که با حمایت شما عزیزان و سروران میسر شد امروز ۹۶/۱۰/۳ به این اعتصاب غذا پایان خواهم داد و از تک تک عزیزان همراه تشکر و قدر دانی می کنم.

به امید آزادی  
آتنا دائمی  
۳/۱۰/۹۶  
بند زنان زندان اوین"

اشکبار خواهرانم که نمیخواستند به خاطر آنها آسیب ببینم ولی در واقع آنها بودند که به خاطر من، به خاطر آزار من مورد هدف شکارچیان سیری ناپذیر قرار گرفتند، ممنونم که همراه بودند.

آری من خواستم صدای بی صدایان باشم اما در اوج تب و تاب انتخابات بود که زیر بار تبلیغات له شدم و این شما مردم شریف بودید که فریادم شدید و همراه و هم صدا با من و خانواده ام شدید، شما عزیزانی که نمیشناسم و شاید هرگز نشناسم یا دوستان و رفقای ناب که همواره در کنارم بودند، اگر نبودید حالا بعد از پنجاه و چهار روز موفق نمیشدم، قطعاً از خیلی ها باید نام ببرم و قدر دانی کنم اما به خاطر امنیت معذورم!

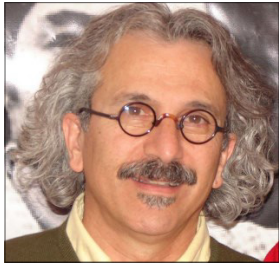
پنجاه و چهار روز گذشت و من نه، در واقع شما پیروز شدید، با حمایت گسترده، با قلم هیاتان، با

## زنده باد آزادی،

## زنده باد برابری،

## مرگ بر سرمایه داری!





# ترامپ و تغییر سیاست در آمریکا

## مصاحبه با علی جوادی

افزاید. ابرهای سیاه و بسیاری در حال شکل گیری و حرکت است.

**انترناسیونال:** روز یکشنبه گذشته آنجلا مرکل صدراعظم آلمان ضمن حمله به سیاست های ترامپ و دولت انگلیس گفت که آمریکا و بریتانیا شرکای قابل اعتمادی نیستند. به نظر شما دلیل تیره شدن رابطه اتحادیه اروپا و آمریکا و اروپا از کجا ناشی میشود؟ و نتایج آن چیست؟

**علی جوادی:** آنجلا مرکل این سیاست را بار دیگر نیز تکرار کرد و به این اعتبار هرگونه ابهامی را در این زمینه که شاید این یک لغزش سیاسی باشد، به کناری زد. آنچه در حال شکل گیری است یک تغییر ریل سیاسی است. گوشه هایی از روی آوری به سیاست "آنزوا طلبی" آمریکا در قبال سیاست "گلوبالیستی" آمریکا است. یک رکن این تغییر سیاست، بازتعریف مناسبات آمریکا در قبال اروپا است. این شکاف در درجه اول خود را در نقش، جایگاه و سرنوشت ناتو یعنی مهمترین سازمان نظامی - سیاسی میان آمریکا و اروپا منعکس کرده است. آمریکا چسب متحد کننده این ائتلاف است. بدون نقش هژمونیک آمریکا در این ائتلاف آینده این ائتلاف و به همین اعتبار آینده اروپا در مقابل یک علامت سؤال قرار میگیرد. با اظهارات مرکل و همچنین عکس العمل ترامپ در قبال آن، این شکاف عمیق تر شده است.

واقعیت این است که مساله بر سر پرداخت و یا عدم پرداخت هزینه ناتو توسط کشورهای اروپایی عضو ناتو نیست. محدود کردن این شکاف به یک مساله مالی به معنای ندیدن یک تغییر ریل سیاسی و تغییر استراتژی سیاسی در سطح جهان است. آنچه تاکنون از اجزای سیاست استراتژیک ترامپسیم قابل تبیین است، این است که ترامپسیم یک سیاست "آنزواگرایانه" را در قبال اروپا و متحدین تاکنونی اش در دستور قرار داده است. ناتو مهمترین

تقابل ارتجاعی و عمیقاً ضد انسانی و نژادپرستانه است. به همان اندازه حکومت اسلامی ارتجاعی است. در این چهارچوب هدف نه نابودی حکومت اسلامی در کوتاه مدت و پیشبرد سیاست "رژیم چنج" بلکه اساساً بدست دادن تعریفی برای هویت و سیمای آمریکا در دوره جدید است. حکومت اسلامی قرار است که کیسه بوکس این دوران هیات حاکمه آمریکا باشد. باید در تقابل با این نیرو سیمای خود را بعضاً شکل دهند. به این اعتبار همان دستهایی که قرار است حکومت اسلامی را در مقام دشمن استراتژیک قرار دهند، همان دستها هم این نیرو را برای مدتی حفظ خواهند کرد. به اعتبار دیگر نیازمند چنین دشمنی هستند. دشمنی که نابودی اش به اعتباری به معنای تضعیف و زوال موقعیت خود است.

کنفرانس سران کشورهای اسلام زده، منهای حکومت اسلامی و متحدینش، یک نقطه عطف در پیشبرد این سیاست است. این سفر توانسته است که پایه های ایجاد یک "جبهه واحد" در قبال حکومت اسلامی و نیروهایش را در منطقه بریزد. ناتوی عربی، شاخه نظامی این جبهه است. تجهیز نظامی بی سابقه عربستان سعودی، تلاش برای متحد کردن این نیروها در قبال حکومت اسلامی و پشت کردن به داعش و قطع کمک به این جریان بمنظور مقابله با حکومت اسلامی در سطح منطقه، یک رکن دیگر این سیاست است. یک هدف از این تلاش استراتژیک قرار دادن آمریکا در محور این تخاصمات است.

این تغییر سیاست آمریکا در منطقه تبعات معینی برای حکومت اسلامی به دنبال دارد. تشدید تخاصمات ارتجاعی میان آمریکا و متحدین اش در منطقه در قبال حکومت اسلامی یک نتیجه بلاواسطه این استراتژی جدید است. این تقابل مخاطرات جدیدی بر فضای تیره و آلوده خاورمیانه می

(پی تی تی) به مقابله با غول اقتصادی چین برونند. ارکان سیاست جهانی اوباما بر این محورها و کلا تحکیم و تقویت موقعیت رو به زوال آمریکا در سطح جهانی در دوران پس از جنگ سرد استوار بود.

سیاست هیات حاکمه جدید آمریکا به درجات زیادی متفاوت است. یک چرخش سیاسی - استراتژیک است. محورهایی این تفاوت روشن اند. ترامپ آمریکا را از پیمان پی تی تی خارج کرد. مناسبات آمریکا و اروپا تا به امروز دستخوش تغییرات بسیاری شده است. هیات حاکمه جدید آمریکا بنوعی خواهان شکست پروژه اروپای واحد و جدایی کشورهای اصلی این بلوک جهانی است. در تلاش برای علم کردن حکومت اسلامی در قامت یک نیروی متخاصم در مقابل آمریکا در سطح جهانی هستند. دست اسرائیل را در پیشبرد هر گونه سیاست فاشیستی باز گذاشته اند. در قبال روسیه کاملاً سیاست متفاوتی از سیاست دوره گذشته هیات حاکمه آمریکا دنبال میکنند. تلاش میکنند که نزدیکی سیاسی و همسویی در سطح بین المللی ایجاد کنند.

در قبال سیاست جدید آمریکا در برابر حکومت اسلامی باید مکث بیشتری کرد. همانطور که اشاره کردم، میکوشند که جمهوری اسلامی را در قامت یک نیروی متخاصم و دشمن آمریکا در دوره جدید تعریف کنند. این تخاصم و دشمنی از جنس و در ظرفیت دشمن استراتژیک است. به درجایی شبیه دشمنی و تقابلی است که در دوران پس از جنگ دوم جهانی شکل گرفت. دارند میکوشند که جمهوری اسلامی را در این ظرفیت قرار دهند. میکوشند که سیمای سیاسی و ایدئولوژیک و فرهنگی آمریکا را در این دوران در تقابل با اسلام، تروریسم اسلامی و حکومت اسلامی تعریف کنند. روشن است که این تقابل با اسلام سیاسی یک

**انترناسیونال:** هفته گذشته ترامپ به کشورهای عربستان و اسرائیل سفر کرد. نتیجه این سفر را چگونه ارزیابی می کنید و چه تاثیری در توازن قوا و بویژه موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه گذاشت؟

**علی جوادی:** اجازه دهید قبل از پاسخ دادن به این سؤال که نتایج این سفر را چگونه ارزیابی میکنیم، به این سؤال پاسخ دهم که این سفر چه اهدافی را دنبال میکرد و اصولاً در راستای کدام سیاست و یا بهتر بگویم تغییر سیاستی در قبال مسائل خاورمیانه قرار دارد.

بنظر من سفر ترامپ به خاورمیانه، شرکت در کنفرانس سران کشورهای اسلام زده و عرب زبان و همچنین سفر به اسرائیل یک حلقه مهم از سیاست استراتژیک هیات حاکمه جدید آمریکا است. گوشه هایی از این سیاست در قبال معضلات منطقه را ما در کمپین های تبلیغاتی این جریان نتوفاشیست دیده بودیم. این سفر در عین حال نشان یک چرخش سیاسی مهم در سیاست آمریکا در این دوره است.

همانطور که میدانید سیاست اوباما در قبال معضلات خاورمیانه اساساً متکی بر تلاش برای ترمیم موقعیت رو به زوال این نیرو در منطقه، به سازش و توافق رسیدن با بازیگران اصلی این منطقه و از جمله حکومت اسلامی و نتیجتاً تحکیم موقعیت آمریکا در سطح جهانی و در قبال رقبا و معضلات پیش رو استوار بود. در این چهارچوب با حکومت اسلامی به سازش و بند بستن در قبال پروژه هسته ای حکومت اسلامی دست پیدا کردند. فشار معینی بر دولت اولترا دست راستی اسرائیل در قبال مسائل خاورمیانه و حل مساله فلسطین اعمال کردند که به درجاتی رابطه دول آمریکا و اسرائیل را دستخوش نوساناتی کرد. در سطح بین المللی به مقابله با تمایلات ناسیونالیسم نوظهور روسیه رفتند و توانستند با پایه ریزی پیمان ترنس پاسیفیک

حلقه این اتحاد استراتژیک است. پس از جنگ دوم جهانی، این اتحاد برای دولتهای آمریکا، مستقل از اینکه به کدام جناح طبقه حاکمه آمریکا تعلق داشته اند، دارای اهمیت استراتژی و حیاتی بوده است. هژمونی آمریکا اساساً در جهان از این مجرا تأمین شده و به پیش برده شده است. هرگونه تغییر سیاسی در این قبال داری پی آمدهای استراتژیک و پایدار است. این شکاف اکنون آشکار شده است. تا کجا پیش می رود؟ نتایج آن کدام است؟ سرنوشت اروپای واحد چه خواهد شد؟ به این سئوالات اساسی بر اساس یک مجموعه از فرضیات میتوان تا حدودی پاسخ داد. فرض اول و تعیین کننده این است که شانس و امکان بقای ترامپ و نتیجتاً ترامپسیم تا چه حدی است؟ آیا ترامپ این دوره از ریاست جمهوری خود را به پایان خواهد رساند؟

اینکه این سیاست تا کجا به پیش میرود از یک طرف به درجات زیادی به موقعیت جریان ترامپ در هیات حاکمه آمریکا گره خورده است. آیا ترامپ استیضاح خواهد شد؟ آیا سرنوشت ترامپ مانند سرنوشت نیکسون در دور دوم ریاست جمهوری اش خواهد بود؟ تشابهات بسیاریند. تلاشها در این زمینه در حال تشدید است. از طرف دیگر مساله به قدرت ترامپ در تغییر این سیاست استراتژیک در خود آمریکا گره خورده است. آیا حزب جمهوریخواه و کلا الیت سیاسی این جناح به دنبال این گرایش بسیج میشوند؟ ناروشنی ها کاملاً مهم اند.

اما نتایج پیشبرد چنین سیاستی روشن اند. تغییر موقعیت سیاستی استراتژیک خود آمریکا در جهان کنونی یک نتیجه بلاواسطه آن است. تغییر موقعیت سیاسی اروپا جنبه دیگر این سیاست است. تا

## با شهلا دانشفر در برنامه گفتگو در کانال جدید

### سازمان جهانی کار، اهداف و سیاستها



کارگران تبدیل شده است و یک نمونه اخیرش معدن زمستان بیروت است که در جریان این فاجعه انسانی ۴۵ کارگر جانباختند. و بالاخره حکومتی که پایه هایش بر آپارتاید جنسی و سرکوب و اعدام و جنایت گذاشته شده است، جایش در سازمان جهانی کار نیست. ما به سکوت و مماشات سازمان جهانی کار اینهمه بیحقوقی در قبال کارگران و مردم در ایران و سرکوب بگری های رژیم اسلامی اعتراض داریم.

اینها همه بطور واقعی مضمون نامه های اعتراضی کارگران که هر ساله همزمان با اجلاس های سازمان جهانی کار ارسال میشود نیز هست. ما میگوییم همانطور که حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی در دوره ای از مبارزات مردم آن کشور، در سطح جهانی بایکوت و به انزوا کشیده شد، جمهوری اسلامی نیز باید در سطح جهانی منزوی شود و از تمامی نهادهای بین المللی و به طریق اولی از سازمان جهانی کار که ظاهراً موضوع کارش قوانین و استانداردهای بین المللی کار است، اخراج شود. جای حکومت اسلامی در سازمان جهانی کار و در هیچ یک از نهادهای بین المللی نیست، بلکه جای آن پشت میز محاکمه است. بر اساس همین سیاست است که ما هر سال تلاش میکنیم در اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در مقابل اجلاس های سالانه آن حاضر شویم و صدای اعتراض کارگران و مردم ایران باشیم.

لازمست یادآوری کنم که کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان، و مردم معترض استارتش در سال گذشته با اطلاعیه مشترک اسماعیل عبدی از رهبران اعتراضات معلمان و جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران زده شد. واقعیت اینست که بیانیه

عالی شوراها، اسلامی کار، کانون عالی انجمن های صنفی کارگران و یا مجمع نمایندگان کارگران انتخاب میشوند. که ظاهراً توافق آنها این بوده که به صورت چرخشی هر سال نماینده یکی از این تشکلهای دست ساز حکومتی در کنفرانس ها و اجلاس های بین المللی شرکت کنند که امسال او به عنوان نماینده این تشکلهای حکومتی به وزارت کار معرفی شده است.

اما کشاکش هایشان به حدی بالاست که به گفته وی علیرغم اینکه فقط چند روز تا افتتاحیه این مراسم مانده، از او دعوتی نشده است و او از وزارت کار خواستار پاسخگویی میشود.

**سیما بهاری:** حزب کمونیست کارگری ایران هر ساله تلاش کرده است که در روز بازگشایی کنفرانس سالانه آی ال او خود را به محل برساند و اعتراض خود را به حضور هیات جمهوری اسلامی در این اجلاس ها اعلام دارد. شما نیز از سوی کمیسیون برای آزادی کارگران زندانی هیاتی را برای اعتراض به سازمان جهانی کار میفرستادید. هدف شما چیست!

**شهلا دانشفر:** جمهوری اسلامی نماینده کارگران و مردم ایران نیست، بلکه سرکوبگر مردم است. ما با حضور اعتراضی خود و اطلاع رسانی و نشان دادن این حقیقت به جهانیان اعتراض خود را به حضور جمهوری اسلامی در اجلاس های سازمان جهانی کار اعلام میکنیم. جمهوری اسلامی به عنوان حکومتی که پایه ای ترین حقوق کارگران و مردم ایران را نقض میکند، حکومتی که با قوانین عصر حجر خود کارگر را بخاطر اعتراضاتش به شلاق میکشد، حکومتی که تحت عنوان "اخلال در نظم و امنیت ملی" کارگران، معلمان و فعالین سیاسی را بطور دائم تحت پیگیری قرار داده و برایشان احکام سنگین زندانی صادر میکند، حکومتی که تحت حاکمیتش محیط های کار به قتلگاه

شرکت در اجلاس جهانی کار خیرداد موضوع چیست؟

**شهلا دانشفر:** درست است. محمد یاراحمدیان در خصوص علت عدم دعوت از وی برای حضور در اجلاس بین المللی کار میگوید: در این زمینه در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه با ارسال نامه ای به مدیر کل امور بین الملل وزارت کار اعتراض خود را در خصوص حذف نام بنده از لیست افراد اعزامی به عنوان سرپرست جامعه کارگری ایران در اجلاس اعلام کردیم اما با وجود اینکه فقط ۴ روز تا افتتاحیه این اجلاس زمان باقیست، هنوز پاسخی از وزارت کار دریافت نکردیم. این در حالی است که برای دو نماینده مجمع عالی نمایندگان کارگران و نمایندگان دو تشکل دیگر کارگری ویزا صادر شده است.

در ادامه او توضیح داده و میگوید: "سهل انگاری وزارت کار در فرایند این موضوع به خوبی واضح است و باید پاسخگو باشند. ایران عضو هیأت مدیره سازمان بین المللی کار و عضو هیأت موسس این سازمان است بنابراین رعایت نشدن این قوانین بدیهی جای تعجب است." یاراحمدیان پیش از این در گفتگو با خبرنگار مهر گفته بود که مسئولان وزارت کار ما را تهدید کرده اند اگر مشکلات را تکذیب نکنیم، مسئولیت ما در ILO سلب می شود.

این گفته به روشنی از نزاعهای درون حکومتی بر سر دزدی هایشان در تامین اجتماعی پرده بر میدارد. این گفته ها حکایت از این دارد که چگونه جنبش اعتراضی کارگری حکومتیان را به جان همدیگر انداخته است. از جمله چندی قبل یاراحمدیان به وقوع بحران در سازمان تامین اجتماعی در صورت تداوم بدهی ۱۳۰ هزار میلیاردی دولت، هشدار داده بود.

یاراحمدیان طی توضیحاتی میگوید که بر اساس قانون کار تمام نمایندگان رسمی "کارگران" در سازمان جهانی کار توسط کانون

کارگران" در این اجلاس ها سرازیر میشود.

اما اجازه بدهید کمی هم در مورد کار این اجلاس ها توضیح دهم. اجلاس های سازمان جهانی کار، مقاله نامه ای بین المللی در خصوص استانداردهای کار در سطح جهانی را تصویب میکنند و این مقاله نامه ها برای کشورهای عضو لازم الاجرا هستند. در عین حال یک کار کنفرانس نظارت بر اجرای مقاله نامه های مصوب آی ال او و رسیدگی به شکایات مبنی بر عدم رعایت آنها از سوی کشورهای مختلف است. از همین رو یک موضوع اعتراض کارگران در نامه هایشان به سازمان جهانی کار، نقض آشکار پایه ای ترین حقوق کارگران که نقض مقاله نامه های سازمان جهانی کار است که ایران نیز عضوی از این سازمان بوده و ملزم به اجرای آنها میباشد. کارگران سکوت سازمان جهانی کار در برابر بیحقوقی های پایه ای شان و سرکوبگری های رژیم اسلامی اعتراض دارند.

در هر حال اجلاس های سازمان جهانی چیزی یک نمایش نیست. دلیلش نیز به روشنی اینست که سازمان جهانی کار ارگانی بورژوازی و بوروکراتیک و یکی از زیر مجموعه های سازمان ملل است. سیاست های ناظر بر آن نیز تابع سیاست های جاری سازمان ملل و دولت های سرمایه داری در سطح جهانی است. در پس همین سیاست هاست که مماشات ها صورت میگیرد. یک نمونه بارز مماشات سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی در طول حاکمیت این رژیم و سکوت آن در قبال زیر پا گذاشته شدن حتی مقاله نامه های خود این سازمان از سوی حکومت اسلامی است که مورد اعتراض کارگران در ایران است.

**سیما بهاری:** بنا بر خبری محمد یاراحمدیان رئیس مجمع عالی نمایندگان کارگران ایران از ارسال نامه اعتراضی این مجمع به وزارت کار به دلیل عدم صدور مجوز

**سیما بهاری:** قرار است این اجلاس در فاصله ۵ تا ۱۶ ژوئن (۱۵-۲۶ خرداد) برگزار شود. ترکیب شرکت کنندگان این اجلاس ها چگونه است و مشخصاً چه برنامه و اهدافی را دنبال میکنند؟

**شهلا دانشفر:** بنا بر اساسنامه سازمان جهانی کار، کنفرانس سالانه این سازمان با ترکیب هیاتی ۴ نفره از سوی کشورهای عضو که عبارتند از دو نماینده هیات دولتی، یک نماینده کارفرما و یک نماینده کارگر تشکیل میشود و ظاهراً بر اساس رایزنی سه جانبه گرایبی یعنی دولت، کارفرما و کارگر عمل میکنند. هیاتی با این ترکیب هر سال می نشینند و بر روی مقررات کار در سطح جهانی و اجرای آن به بحث و گفتگو می نشینند. در این سه جانبه گرایبی در بهترین حالت نمایندگان دولت و کارفرمایان در یک جبهه واحد قرار دارند و تنها یک نفر از هیات ۴ نفره ظاهراً قرار است کارگران را نمایندگی کند که رای او طبعاً همیشه در اقلیت قرار دارد. اما در رابطه با هیات ایران وضع از این هم بدتر است. در هیات اعزامی ایران آن یک نفری هم که قرار است به عنوان نماینده کارگران شرکت کند، از میان تشکلهایی دست ساز حکومتی تعیین میشود که هیچ ربطی به کارگران ندارد و باز هم در جبهه دولت و سیستم حاکم قرار دارد. اینها ارگانهای جاسوسی در محیط های کار هستند که وظیفه شان کنترل و مهار جنبش اعتراضی کارگری است و بعنوان بازوی دولت و کارفرما در کارخانجات نقش بازی میکنند.

کارگران به کل این بساط سه جانبه گری مسخره اعتراض دارند و هیات اعزامی جمهوری اسلامی را نماینده خود نمیدانند. از همین رو می بینید که هر سال با فرارسیدن زمان برگزاری این کنفرانس ها، نامه های بسیاری از سوی تشکلهای و رهبران سرشناس کارگری در اعتراض به شرکت نمایندگان تشکلهای دست ساز حکومتی تحت عنوان "نماینده

# کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

## یک موفقیت بزرگ حکم تبرئه خواهران آتنا دایمی صادر شد!

آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام با اتهاماتی امنیتی با ۷ سال حکم در زندان است. او در اعتراض به حکم دو خواهرش انسبیه و هانیه از ۱۹ فروردین دست به اعتصاب غذا زد و روز دهم خرداد با تبرئه آنها با موفقیت اعتصاب غذایش را خاتمه داد. اعتراض آتنا دائمی در واقع اعتراضی به عملکرد قوه قضایی این دستگاه سرکوب حکومت اسلامی بود و موفقیت او در این اعتراض، یک پیروزی بزرگ است.

یک فاکتور مهم در این پیروزی کارزار مبارزاتی گسترده برای آزادی او بود که یک سرش در ایران و سر دیگرش در اروپا بود. کارزاری اجتماعی که حمایت وسیعی را همراه داشت و صدای آتنا را جهانی کرد. از جمله اعتراضات پرشور جوانانی بود که در روز بعد از مضحکه انتخابات با شعار آتنا دائمی آزاد باید گردد، از او و خواستهای پشتیبانی کردند. و بویژه تلاش های خانواده اش برای انعکاس صدای اعتراض آتنا بود.

حسین دائمی پدر آتنا دائمی طی نامه ای خطاب به حمایت از آتنا و حمایت های وسیعی که از آتنا و خواستهایش شد قدرانی کرده و مینویسد: "من پدر آتنا دست تک آن عزیزانی که در این مدت از آتنای من حمایت کردن و مارو تنها نگذاشتن ویا گریه های ما گریستن با خنده های ما خندیدن می بوسم" آتنا با گفتن اینکه "من به همراه شما موفق شدم که حکم تبرئه خواهرانم را به دست آورم و این آغاز راه برای ایستادن در برابر آزار و اذیت خانواده های زندانیان سیاسی یا خانواده های جانبختگان است"، به اعتصاب غذایش خاتمه میدهد. زنده باد آتنا دائمی، زنده باد خانواده آتنا و زنده باد به همگان که حامی این صدای انسانیت بودند و به آن قدرت دادند.

## آغاز دور جدید اعتصاب کارگران کارخانه هپکو!

از اول هفته جاری، کارگران کارگران هپکو اراک در اعتراض به عدم پرداخت بیش از ۳ ماه حقوق و خطر تعطیل شدن کارخانه دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کرده اند. یکماه اعتراض بیش از هزار کارگر کارخانه هپکو یکی از نقطه های درخشان مبارزات کارگری در سال ۹۵ بود. کارگران هپکو با شعار های کوبنده خود، اعتراض کل کارگران و کل جامعه را فریاد زدند. این اعتراضات و تظاهرات هر روز آنها در خیابانهای اراک و سرانجام وارد صحنه شدن خانواده در این اعتراضات و عقب نشینی فوری کارفرما و دولت و تن دادن به بخشی از خواسته های کارگران یک نقطه عطف مهم در جنبش اعتراضی کارگری بود که در سهای با ارزشی برای کل جنبش کارگری و این کارگران در پی داشت. اعتراضاتی که بر فضای شهر اراک طنین انداخت و تاثیر خود را در سطحی سراسری گذاشت. اینها همه تجربیات درخشانی است که بدون شك امروز کارگران هپکو را در موقعیت قدرتمندی برای پیشبرد اعتراضات قرار داده است. از همین روست که خبر دور جدید اعتراضات کارگران هپکو سرها را بسوی خود جلب کرده است. اخبار این اعتراضات را وسیعاً پخش کنیم. از مبارزات کارگران هپکو حمایت و پشتیبانی کنیم.

## سومین کارگر انفجار فولاد بویر احمد جان باخت

با کمال تأسف قاسم پشت چمن کارگر فولاد بویر احمد که در جریان انفجار در این کارخانه آسیب دیده بود، به دلیل سوختگی بالای ۹۰ درصد در ظهر روز ۶ خرداد در بیمارستان صدرای شیراز درگذشت. قبل از او در چهارم خرداد ماه دو کارگر آسیب دیده دیگر این کارخانه به اسامی یوسف کرمی و زریب حاج بارانی در اثر این انفجار جان خود را از دست دادند. جانباختن این کارگران را به خانواده هایشان، به کارگران فولاد بویر احمد و به همگان

تسلیم میگویم. محیط های کار بخاطر سودجویی سرمایه داران و حمایت دولت و قوانینش، به قتل گاه کارگران تبدیل شده است. با اعتراضات گسترده مان به این جنایت آشکار خاتمه دهیم. انفجار در فولاد بویر احمد در روز ۱ خرداد اتفاق افتاد که در جریان آن ۹ کارگر بشدت آسیب دیدند که ۶ نفر آنان به اسامی قاسم خوش چمن، زریب حاج بارانی، رسول اکرمی، حامد قاسمی، کاووس عباسی و کریم بیگدلی دلیل سوختگی شدید به شهرهای شیراز و اصفهان اعزام شدند. که حال سه نفر از آنان به اسامی زریب حاج بارانی، قاسم خوش چمن و رسول اکرمی به دلیل سوختگی صددرصد به شدت وخیم گزارش شده است.

بعد از فاجعه معدن زمستان بورت که در جریان آن ۴۵ کارگر جانباختند و بیش از ۷۰ نفر زخمی شدند، انفجار در کارخانه فولاد بویر مورد دیگری از سودجویی های کارفرمایان است که زیر چتر حمایت حکومت اسلامی با تمام قوانین ضد کارگران قربانی گرفت.

یکی از کارگران این کارخانه در گفتگو با خبرنگاری ها میگوید: اگر لباس نسوز و ایمنی داشتیم هیچ مشکلی برای کارگران این کوره که منفجر شد، پیش نمی آمد. به گفته او آنها از کمترین امکانات و تجهیزات اولیه ایمنی برخوردارند که نتیجه اش تلفات انسانی انفجار روز دوشنبه اول خرداد در کارخانه بوده است.

انفجار در فولاد بویر احمد خشم کارگران را برانگیخت و در دوم خرداد با تجمع در استانداری کهگیلویه و بویر احمد به وضع نا امن محیط کارشان اعتراض کرده و خواستار ایمن شدن فوری محیط کارشان شدند. بهبود شرایط کاری و پرداخت پهایشان، تعیین تکلیف وضعیت بیمه ای و شغلی از دیگر خواسته های فوری این کارگران در این حرکت اعتراضی بود. به گفته کارگران در سه سال گذشته چند بار برای پیگیری این خواسته ها تجمع داشته ولی جوابی نگرفته اند. از خواست کارگران فولاد

بویر احمد برای ایمنی محیط کارشان وسیعاً حمایت کنیم. صدای اعتراض خانواده هایی باشیم که قربانی این جنایت آشکار شدند. با اعتراضی سراسری به نایمنی محیط های کار که به قتلگاه کارگران تبدیل شده و هر روزه قربانی میگیرند، خاتمه دهیم.

## یادبود معدنچیان در رامیان

معصومه جاهلی همسر بهرام هدایتی یکی از معدنچیان جان باخته، در این مراسم گوشه ای از دردهای کارگران را بازگو کرد. شامگاه روز ۴ خرداد، در مراسم یادبود هشت جان باخته رامیانی حادثه معدن زمستان بورت معصومه جاهلی به نمایندگی از خانواده های کارگران جان باخته فاجعه انفجار معدن زمستان بورت آزادشهر، اظهار کرد: درخواست ما این است که مسئولان گوش شنوا داشته باشند.

وی بیان کرد: امیدواریم تمام این آمدن و رفتن ها و قول های داده شده از ضمانت اجرایی برخوردار باشد و امورات جاری و دستورات داده شده برای رسیدن به نتایج ملموس با قدرت پیگیری شود.

وی افزود: معادن زغال سنگ جزو منابع طبیعی گلستان و شهرستان های آزادشهر و رامیان است اما تمام دفاتر، امور بیمه ای و امورات جاری کارگران معدن در سمنان پیگیری می شود و این نوعی اجحاف و ظلم است.

وی ادامه داد: در رامیان امکان درمانی و رفاهی مناسبی وجود ندارد و معدنچیان باید سلسله مراتب خود را در سمنان طی کنند.

وی تأکید کرد: خواستار این هستیم که کمیته حقیقت یاب با جدیت پیگیری این موضوع باشد تا حق بقیه معدنکاران هم پایمال نشود. وی خاطرنشان کرد: خیلی از پدران، مادران و همسران جانبختگان حادثه زمستان بورت توانایی پیگیری امورات درگذشتگان را ندارند و خواستار آن هستیم که امورات معدنچیان توسط اداره کار پیگیری شود.

وی با تأکید بر اینکه باید بحث بیمه معدنکاران پیگیری شود تا حق بیمه

آن ها پایمال نشود، بیان کرد: چرا باید برای معدنچیان بیمه خیاطی و... رد شود.

جاهلی تصریح کرد: معدنچیان ما همیشه خواستار حق و حقوقشان بوده اند و هیچگاه هیچ مسئول و صاحب معدنی بخشی از مسائل ایمنی مطرح نمی کرد.

وی با بیان اینکه چرا این گونه سهل انگاری ها و فجایع رخ می دهد و مسبب این حوادث چه کسی است، تصریح کرد: مجوز کلینیک تامین اجتماعی را به رامیان داده و آن را هم افتتاح کردند، اما هیچ امکاناتی در آن موجود نیست و هیچ دردی از مردم دوا نمی کند. او در صحبتهایش خواستار راه اندازی درمانگاه رامیان شد. معدن زمستان بورت را فراموش نکنیم. از خواسته های برحق آنها وسیعاً حمایت کنیم.

## حمایت از اسماعیل عبیدی، حمایت از کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات

با اعزام اسماعیل عبیدی به بیمارستان موافقت شد اما اسماعیل عبیدی حاضر نشد با دستبند به بیمارستان برود

بنا بر خبر منتشر شده از سوی کانون صنفی معلمان، اسماعیل عبیدی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان تهران که از تاریخ ۱۰ اردیبهشت در اعتراض به حکم خود در اعتصاب غذا به سر می برد. پس از پیگیری های انجام شده از طریق پدر، خانواده و وکیلش در روز ۹ خرداد از سوی مسئولان دادستانی جمهوری اسلامی موافقت شد که به بیمارستان منتقل شود. اما بدلیل اینکه می خواستند او را با دستبند و لباس زندان به بیمارستان ببرند، اسماعیل عبیدی حاضر نشد با دستبند به بیمارستان برود.

اسماعیل عبیدی با اتهاماتی امنیتی به ۶ سال حبس محکم است. او به این حکم و احکام امنیتی برای تمامی فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض اعتراض دارد. اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات کارزاری است که از سال گذشته با بیانیه مشترکی که اسماعیل عبیدی به همراه جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران با خواست مشخص لغو

## ترامپ و تغییر سیاست در آمریکا

از صفحه ۴

آنجا که به اروپای واحد بر میگردد، چالش این سیاست از جانب ترامپ و ترامپیستهای اروپایی مساله جدی است. اروپای واحد بدون نقش هژمونیک آمریکا به سادگی قادر به سازمانیابی و اتحاد نیست. اولین سؤال این است که کدام نیرو در اروپا در نقش و مقام رهبری این بلوک سیاسی قرار خواهد گرفت؟ آلمان، ائتلاف آلمان و فرانسه؟ طی کدام پروسه ای میتوان به این موقعیت دست یافت؟ معضلات این پروسه کدام است؟ مسلماً آلمان در موقعیت اقتصادی و سیاسی بهتری برای نقش رهبری کننده اروپا قرار دارد. یک کاندید جدی است. اما یک واقعیت ساده این است که اروپا به سادگی در زیر پرچم آلمان متحد نخواهد شد. در توضیح دلایل تاریخی این مساله باید به دو جنگ جهانی و نقش آلمان در شکل گیری این جنگها اشاره کرد.

از طرف دیگر ترامپ و ترامپیسم تماماً خواهان از دست دادن هژمونی آمریکا در قبال اروپا

نیستند. این هژمونی را با هزینه سیاسی و اقتصادی کمتری میخواهند. پیشبرد این سیاست را دارند با تضعیف این اتحادیه به پیش میبرند. رویدادهای آتی جوانب متعدد ناروش این شکاف و تغییر سیاست را شفاف تر خواهد کرد. تبیین دقیقتر نیازمند زمان است. انترناسیونال: با گذشت نزدیک به چهار ماه از انتخاب ترامپ بعنوان رئیس جمهور آمریکا حملات و انتقادات به او دایماً در حال افزایش است. برخی از طرح های او با مخالفت شدید مواجه و به حکم دادگاه متوقف شد. موقعیت ترامپ را در صحنه سیاسی آمریکا چگونه می بینید؟ آیا امکان استیضاح او وجود دارد؟ آیا در صورت ادامه قدرت تا چه اندازه می تواند سیاست های خود را به پیش ببرد؟

**علی جوادی:** موقعیت ترامپ و هیات حاکمه اش، یک سیر نزولی را در چند ماه قدرت گیری این جریان طی کرده است. همانطور که اشاره کردید برخی از فرامین این جریان با

حکم دادگاه متوقف شده است. از طرف دیگر تشکیل دادستان ویژه بمنظور بررسی نقش روسیه در انتخابات آمریکا و امکان همکاری با ترامپ و همکاری و همچنین استخدام وکیل مدافع شخصی توسط ترامپ به این مساله ابعاد جدید و سرعت زیادی داده است. از طرف دیگر جامعه آمریکا به شدت قطبی شده است. تقابل با ترامپ و ترامپیسم به یک ویژگی سیاسی دوران کنونی تبدیل شده است. تشدید تقابل اجتماعی راست و چپ در جامعه در حال گسترش است.

آیا امکان استیضاح ترامپ وجود دارد؟ پاسخ قطعی به این مساله به نتایج تحقیقات دادستان ویژه و همچنین شهادت رئیس سازمان اف بی آی بعضاً گره خورده است. چنانچه این کمیته به این نتیجه برسند که همکاران ترامپ و به درجه ای خود او در همدستی با دولت روسیه برای تاثیر گذاری بر انتخابات آمریکا دخالت داشته اند، چنانچه روشن شود که ترامپ رئیس افی بی آی را بخاطر تحقیق در زمینه دخالت دولت روسیه تحت فشار قرار داده است، میتوان گفت

که زمینه های جدی و غیر قابل برگشتی برای استیضاح ترامپ فراهم شده است. اما استیضاح ترامپ در عین حال نیازمند چرخشی در حزب جمهوریخواه و نمایندگان این جریان در کنگره آمریکا است. تا زمانیکه بخش قابل ملاحظه ای از این جریان رای به استیضاح ندهند، چنین اقدامی در دستور قرار نخواهد گرفت. شاید با تغییر احتمالی کنگره آمریکا در انتخابات میان دوره ای این پروسه بطور عملی آغاز شود.

تا آنجا که به پیشبرد سیاستهای ترامپ برمیگردد باید اذعان کرد، این سیاستها به همان درجه و به هر درجه که پیش رفته است، تاثیرات مخرب و ازجار آوری بدنبال داشته است. طرح جدید بودجه آمریکا یک ضربه بزرگ به خدمات درمانی و بیمه های اجتماعی در آمریکا است. پیش بینی میشود که با تعلیق سیستم درمانی نیم بند اوپاما، بیش از ۲۴ میلیون تن عملتا از سالمندان و بخش فقیر و کودکان جامعه بیمه درمانی خود را از دست خواهند داد. تعرض راسیستی به افراد منتسب به اسلام گسترش بسیاری یافته است.

بودیم، از خودافشاگریهایی کاندیداهای حکومتی و قطعی شدن فضای جامعه و اظهار نگرانی های خامنه ای در جریان انتخابات تا عدم شرکت حداقل ۱۶ میلیون و تا کشاکشی که بلافاصله بعد از اعلام نتایج آرا بین جناحهای حکومتی بر سر آمار و نحوه برگزاری انتخابات در گرفته است، همگی نشان دهنده ثقل و سایه سنگین نارضائی و گرایش وسیع ضد حکومتی توده مردم بر معرکه انتخابات است. نه تنها خامنه ای و جناح اصولگرا، بلکه کل حکومت از این انتخابات بهم ریخته تر و ضعیف بیرون آمدند و توده مردم با روحیه تر و متوقع تر و با اعتماد به نفس بیشتر. تردیدی نباید داشت که بعد از این انتخابات جنبشهای اعتراضی وسیعی که در جامعه جاری هستند گسترده تر و تعرضی تر خواهند شد. این جواب دندان شکنی به همه شارلاتانهای خواهد بود که تلاش میکنند انتخاب روحانی را به حساب رضایت دادن مردم به خط استحال واریز کنند.

تعرض به شهروندانی که در مکزیک و سایر کشورهای آمریکای لاتین متولد شده اند و فاقد مدارک قانونی اقامت در آمریکا هستند، ابرهای سیاهی بر بالای سر این بخش از جامعه قرار داده است.

در عین باید تاکید کرد که تبلیغات این جریان مبنی بر گسترش اشتغال و بهبود موقعیت مالی محرومان جامعه آمریکا پوچ تر از آن بود و هست که لازم باشد نگاهی به کارنامه این جریان در واقعیت و در عملکردشان انداخت.

پروسه های حقوقی ای که بخشهایی از هیات حاکمه در مقابل ترامپ و دولت او انداخته اند، یک مانع در پیشبرد سیاستهای این جناحند. اما باید تاکید کرد که نیروی محرکه اصلی این تحولات موقعیت جنبش و اعتراض انسانگرایی در جامعه است. به هر درجه که این اعتراض گسترش یابد، شکاف جناحهای هیات حاکمه نیز تشدید خواهد شد. به همان درجه نیز ریزش بیشتری در صفوف جمهوریخواهان صورت خواهد گرفت.

امنیتی با فعالین صنفی را برنمی تابد ضمن حمایت از خواستههای اسماعیل عبدی نگرانی خود را از وضعیت جسمی ایشان اعلام می دارد و در صورت هرگونه اتفاق برای سلامتی ایشان مقامات ذیربط را مسئول آن می داند. همچنین لازم به ذکر است با توجه به اینکه خواسته ای اسماعیل عبدی خواسته ای کانون صنفی معلمان تهران، اعضای آن و بسیاری از معلمان در سرتاسر کشور می باشد و با توجه به نگرانی جامعه معملی از وضعیت ایشان احتمال هرگونه تحرك اعتراضی از سوی بدنه در روزهای آتی دور از انتظار نیست.

بدین ترتیب معلمان با حمایت قاطع خود از اسماعیل عبدی و خواستههایش، و تاکید بر اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات، اولتیماتوم دادند که اگر به خواسته های عبدی پاسخ داده نشود، اعتراض آنان در روزهای آتی دور از انتظار خواهد بود. زنده باد معلمان **اسماعیل عبدی باید فوراً آزاد شود.**

## کارگران در ...

از صفحه ۶

تمامی پرورنده های امنیتی مفتوحه برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض، از زندان دادند آغاز شد و با جلب حمایت وسیعی در ایران و در سطح بین المللی به جنبشی تبدیل شد که همچنان به جلو میرود. اعتراض عبدی در سالگرد این حرکت در دهم اسفند، تحرك جدیدی به این جنبش داد. اعتراض اسماعیل عبدی و خواستههایش تا کنون با حمایت وسیعی از سوی کانون های صنفی معلمان و تشکلهای کارگری و فعالین و رهبران سرشناس کارگری روبرو شده است. در همین راستا ۲۴ نفر از چهره های شناخته شده کارگری و معلمان بیانیه دادند و از او حمایت کردند. تعدادی دیگر از فعالین کارگری نیز از این بیانیه حمایت کردند. در هفته ای که گذشته کانون صنفی معلمان تهران بیانیه ای در حمایت از عبدی داد که در بخشی از آن چنین آمده است: "کانون صنفی معلمان تهران که هرگونه برخورد

## ادعاهای و کشاکشای پسا انتخاباتی

از صفحه ۲

خودش هشدار بدهد در مناظره های انتخاباتیشان مواظب آشوب و فتنه" باشند. هیچیک از احزاب و نیروهای چپ و آزادیخواه و حتی چهره ای که بخشی از خواستههای آزادیخواهانه و انسانی مردم - مثل رفع تبعیض جنسی و برابری زن و مرد، جمع شدن بساط مذهب از حکومت و قوانین، لغو اعدام، یا آزادی زندانیان سیاسی و غیره - را نمایندگی کند اجازه فعالیت سیاسی چه برسد شرکت در انتخابات را ندارد دقیقاً به این خاطر که خواست رهائی از شر کل حکومت اسلامی یک گرایش گسترده و قوی در جامعه است. دقیقاً به این دلیل که در هر انتخابات واقعی مردم به مخالفین کل نظام حاکم رای خواهند داد. اگر چنین نبود به شورای نگهبان و احکام ولایتی و مجمع تشخیص مصلحت و مهندسی و کنترل انتخابات و بسیج نیروهای انتظامی شان برای "حفظ امنیت انتخابات" و غیره نیازی نمیداشتند.

به نظر آنچه در این دوره شاهد

**انترناسیونال:** بعضی از احزاب و شخصیت های سیاسی انتخاب مجدد روحانی در مقابل کاندیدای خامنه ای را دلیل بر این میدانند که با اصلاحات میشود جامعه را تغییر داد و مسئله انقلاب و سرنگونی به عقب رانده شده است. شما در این باره چه میگوئید؟

**حمید تقوایی:** اگر خطر سرنگونی و انقلاب بیخ گوششان نبود نیازی نمیدیدند در هر موقعیتی بخودشان اطمینان خاطر بدهند که خطر رفع شده است. در کشورهای غربی و یا حتی کشورهای جهان سومی که احتمال انقلاب و سرنگونی در چشم انداز نیست، کسی از انتخاباتها به صرافت مقایسه و تقابل بین اصلاحات و انقلاب نمی افتد. این نوع اظهارنظرها در جوامعی موضوعیت پیدا میکند که حکومت حتی از سایه خودش هم میترسد؛ حکومتی که لازم می بیند حتی به کاندیداهای دستچین شده



## سازمان جهانی کار، اهداف و سیاستها

از صفحه ۵

مشترک عبلی - عظیم زاده بیانیه ای علیه فقر و ریاضت اقتصادی و برای یک زندگی بهتر و با خواست مهم لغو پرونده های مفتوحه با احکامی چون "اخلال در نظم امنیتی" بود. این بیانیه توانست به کارزاری قدرتمند تبدیل شود که کارگران و معلمان دو نیروی مهمش بودند و از آنجا که اعتراض آن بعدی اجتماعی داشت، این کارزار توانست دامنه ای گسترده تر پیدا کند. کارزاری که بطور واقعی در دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی های پایه ای مردم بود. نکته مهم اینست که این کارزار ادامه یافت و هم اکنون اسماعیل عبلی در اعتراض به حکم زندان خودش و امنیتی کردن مبارزات از دهم اردیبهشت تا کنون در اعتصاب غذا بسر میبرد و تا کنون حمایت وسیعی از او و خواستهایش در ایران و در سطح جهانی صورت گرفته است، امسال نیز کمپین علیه امنیتی کردن مبارزات، همچنان یک محور مهم اعتراض ما علیه جمهوری اسلامی و علیه مداخلات آی ال او با سرکوبگری های رژیم اسلامی است. ما با رفتن به محل اجلاس سازمان جهانی کار سعی میکنیم که صدای اعتراض عبلی، صدای اعتراض کارگران و مردم باشیم.

**سیما بهاری:** ارزیابی شما در مورد حضور اعتراضی هر ساله حزب همزمان با اجلاس های سالانه سازمان جهانی کار چیست و پارتاب این اعتراضات چگونه بوده است؟

**شهاب دانشفر:** به نظر من حرکت اعتراضی هر ساله ما در مقابل سازمان جهانی کار یکی از پیشروی های جنبش کارگری است. ما با این کار و در کنار آن با اطلاع رسانی دائم خود از وضع کارگران و مبارزاتشان در ایران و از سرکوبگری های رژیم اسلامی به اتحادیه های کارگری و نهادهای انسان دوست در سراسر جهان، توانسته ایم گفتمان های خود را در سطح جهانی گسترش دهیم. و در واقع اعتراضاتی از این دست توانسته است، توجه سازمانهای کارگری در سراسر جهان را به مبارزات کارگران در ایران و

خواستهایشان بیشتر جلب کند و زمینه جلب همبستگی بین المللی بیشتری را فراهم سازد. در طول این سالهایی که ما خود را به اجلاس آی ال او رساندیم و صدای اعتراضمان را به مداخلات این سازمان با جمهوری اسلامی بلند کردیم، در موارد متعددی عکس ها و تصاویر حضور ما در سطح رسانه های خبری بین المللی انتشار پیدا کرد. نکته آخر اینکه ما با حضور اعتراضی هر ساله خود در مقابل سازمان جهانی کار چهره بوروکراتیک و نمایشی اجلاس های این سازمان را به سرخه گرفته و سعی کرده ایم که نشان دهیم که آنجا نیز میتوانند مکان اعتراض کارگران و مردم علیه دولت های دیکتاتور باشد.

**سیما بهاری:** تاثیرات این فعالیت کدامها هستند؟

**شهاب دانشفر:** ما امروز نتایج مستقیم چنین فعالیت هایی را به روشنی میتوانیم ببینیم. از جمله متاثر از چنین فعالیت هایی و نیز متاثر از اعتراضاتی نظیر آن در خارج کشور از سوی جریانهای سیاسی مختلف، و همچنین متاثر از اعتراضات مستقیم تشکلهای رهبران کارگری به سازمان جهانی کار و مداخلاتش با سرکوبگری های رژیم اسلامی، ما سال گذشته شاهد این بودیم که بطور مثال کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) بطور بیسابقه ای در اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار، اعلام داشت که نمایندگان واقعی کارگران ایران، جعفر عظیم زاده، بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی هستند و حمایت خود را از کارگران زندانی و حقوق پایه ای کارگران در ایران اعلام داشت. و با در نتیجه تلاشهای ارسال ناظری از اعضای "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" در استرالیا شاهد این بوده ایم که اتحادیه های کارگری آنجا از جمله اتحادیه کارگران کشتیرانی و ایی خواستار لغو عضویت جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار و آزادی فوری کارگران زندانی

شدند. همچنین در کنفرانس بزرگترین اتحادیه های کارگران صنعتی که سه سال قبل در بانکوک برگزار شد، قطعنامه "کمپین برای آزادی کارگران زندانی" با خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار، مورد تأیید قرار گرفت. در همین دو سه ساله اخیر نیز شاهد حمایت های قابل توجهی از سوی شورای سراسری کارگران ونکوور و حومه در کانادا، نهاد ائتلاف علیه فقر در کانادا، اتحادیه های کارگری کارگران ساختمانی و کشتیرانی در استرالیا، و اتحادیه های کارگری بسیاری در انگلیس و سوئد و غیره بوده ایم که همگی ضمن محکوم کردن نقض حقوق پایه ای کارگران در ایران خواستار آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شده اند.

این اتفاقات طبعاً امسال ما را در شرایط مساعد تری برای اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس آی ال او و مداخلات این سازمان با رژیم ایران قرار داده است. خصوصاً اعتراضات گسترده کارگری و وزن سنگین آن در اوضاع سیاسی جامعه، امروز بیش از هر وقت توجه جهانیان را بخود جلب کرده است. از همین رو حضور اعتراضی ما در برابر این اجلاس اهمیت سیاسی بیشتری دارد و اساساً عرصه کار بین المللی ما برای جلب حمایت و همبستگی جهانی کارگری یک عرصه مهم برای پیشروی بیشتر جنبش کارگری در ایران است.

**سیما بهاری:** امسال برنامه کارتان چیست؟

**شهاب دانشفر:** برنامه ما امسال اینست که در اجتماعی که قرار است در نهم ماه ژوئن که از سوی جریانهای سیاسی مختلف بنا بر سنت هر ساله در محلی در میدان ملل شهر ژنو برگزار میشود، شرکت کنیم و همچنان صدای اعتراض کارگران در ایران باشیم.

در عین حال امسال نیز ما مثل هر سال طی بیانیه ای اعتراض خود را به حضور هیات جمهوری اسلامی در آی ال او اعلام کردیم. ما از نهادها و سازمانهای کارگری در سراسر جهان خواستار اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در

اجلاس آی ال او شده ایم. ما خواستار بایکوت هیات جمهوری اسلامی در این اجلاس شده ایم. در عین حال ما خواستار این شده ایم که به حکومت اسلامی فشار بیاورند که اسماعیل عبلی که با ۶ سال حکم در زندان است و آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام که هفت سال حکم دارد و نیز تمامی زندانیان سیاسی از زندان آزاد شوند. ما خواستار پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض در ایران شده ایم. خواست ما همانطور که اشاره و تاکید کردم اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و تمامی مراجع بین المللی است.

سال گذشته ما از طریق همبستگی و حمایت کارگری و با کمک دوستانی از فعالین کارگری ترکیه توانستیم اطلاعاتی های خود را به دست نمایندگان شرکت کننده در اجلاس برسانیم و در چند جای سالن عکس کارگران زندانی نصب شد. همچنین همه نامه های اعتراضی ارسالی از سوی تشکلهای و فعالین کارگری از ایران را در پوشه ای گذاشته و تحویل این سازمان دادیم. ضمن اینکه در مقابل درب ورودی کنفرانس پیکتی بر پا کردیم و پلاکارد "ایران از سازمان جهانی کار باید اخراج شود" را نصب کردیم و بدین ترتیب توانستیم صدای اعتراض کارگران ایران باشیم. امسال نیز تلاش کرده ایم که در تماس با اتحادیه های کارگری جهانی خواستار این شویم که صدای اعتراض ما باشند و اعتراض ما به حضور هیات جمهوری اسلامی در این اجلاس را انعکاس دهند.

**سیما بهاری:** یک موضوع اعتراض هر ساله کارگران در ایران نیز اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس آی ال او است. اخبار امسال چیست و صحبت شما خطاب به فعالین و رهبران کارگری و تشکلهای و نهادهای کارگری چیست؟

**شهاب دانشفر:** ببینید وقت کوتاهی به اجلاس سالانه سازمان جهانی کار باقی مانده است. باید تعجیل کرد و مثل هر سال با نامه های اعتراضی مان به حضور هیات جمهوری در این اجلاس، صدای اعتراضمان را جهانی کنیم. از تشکلهای مختلف کارگری، رهبران و چهره های شناخته شده کارگری، و البته نه تنها کارگری بلکه نهادهای دفاع از حقوق زن و حقوق کودک نامه های اعتراضی خود را به این اجلاس ارسال کنند. بطور مثال رسمیت داشتن کار کودکان در ایران نقض آشکار مقوله نامه های سازمان جهانی کار است. تشکلهای دفاع از حقوق کودک توسط این رژیم مورد حمله قرار میگیرند، باید به سکوت این سازمان در قبال این موضوع و ابعاد جنایت بار کار کودکان اعتراض کرد. و یا در حاکمیت رژیم آپارتاید جنسی، زنان کارگر در بدترین شرایط کار میکنند. دستمزد کمتر در برابر کار برابر، ابعاد تکانهنده بیکاری در میان زنان که در آمارها از دو برابر بودن آن نسبت به مردان سخن گفته میشود، تحقیر سیستماتیک و دائم زنان در محیط های کار، تفکیک جنسیتی، حجاب اجباری و صدها نمونه دیگر گوشه هایی از ابعاد ستم بر زنان در این جامعه و بطور مشخص زنان کارگر است که مستقیماً کنفونسیون های ژنو را نقض میکنند. باید نامه های اعتراضی ما وضعیت اسفبار زنان کارگر را نیز انعکاس دهد و در این زمینه نهادهای دفاع از حقوق زن خصوصاً ابعاد فاجعه بار شرایط معیشت و زندگی زنان در ایران را انعکاس دهند. خصوصاً همانطور که اشاره کردم با توجه به فضای پر از اعتراض در میان کارگران و کل جامعه زمینه برای انعکاس گسترده این اعتراضات در سطح جهانی و جلب حمایت وسیع در سطح بین المللی فراهم تر است. و باید شتاب کرد.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:



## آتنا دائمی و اسماعیل عبیدی باید فوراً آزاد شوند

باید این حربه را از حکومت گرفت. این بخشی از تلاش برای کسب حق اعتصاب و اعتراض و تلاش برای متشکل کردن کارگران و مردم است. مبارزه برای لغو اتهام امنیتی علیه عبیدی و آتنا یعنی مبارزه برای آزادی اعتراض و اعتصاب، آزادی متشکل شدن و متشکل کردن. کارگران باید در راس این مبارزه قرار گیرند تا جلو هر نوع پرونده سازی علیه همکاران خود و علیه هر انسان آزادیخواهی را بگیرند.

باید مبارزه برای آزادی فوری اسماعیل عبیدی و آتنا دائمی را وسیعتر کرد تا این عزیزان به اعتصاب غذای خود پایان دهند. باید فعالیت برای آزادی عبیدی و آتنا را در ایران و در سطح بین المللی گسترش دهیم و حکومت را وادار به آزادی آنها کنیم. وقت آن است که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو اتهامات امنیتی را در همه جا به جریان اندازیم. وقت آن است که شبکه های مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را سازمان دهیم و هر کارگر و معلم معترضی، هر دانشجو و زن و جوان آزادیخواهی در این شبکه ها حضور داشته باشد و یا خود مبتکر ایجاد جمع و شبکه ای برای آزادی زندانیان سیاسی شود. باید فعال تر از هر زمان به حمایت از خانواده های زندانیان سیاسی برخاست و دوش به دوش آنها این مبارزه را به يك مبارزه وسیع توده ای تبدیل کرد. باید کاری کنیم که هر دستگیری و هر پرونده سازی ای، هزینه سنگینی برای حکومت ایجاد کند و هر زندانی سیاسی بداند که نیروی وسیعی را همراه خود دارد.

حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه و شریف را فرامیخواند که به مبارزه برای آزادی اسماعیل عبیدی و آتنا دائمی بپیوندند و خواست آزادی زندانیان سیاسی را همه جا فریاد بزنند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۹ خرداد ۱۳۹۶، ۳۰ مه ۲۰۱۷

اسماعیل عبیدی و آتنا دائمی دو زندانی سیاسی که در اعتصاب غذای طولانی بسر میبرند جانشان در خطر است. آتنا ۵۰ روز و اسماعیل عبیدی ۳۱ روز است در اعتصاب غذا هستند. آتنا به هفت سال و اسماعیل عبیدی به شش سال زندان محکوم شده است. جرمشان این است که یکی از حقوق کودکان و زنان دفاع کرده و دیگری از حقوق معلمان و کارگران. جمهوری اسلامی آنها را به اقدام علیه امنیت ملی متهم کرده است. اسماعیل عبیدی خواهان اینست که دفاع از حقوق معلمان اتهام امنیتی تلقی نشود و آتنا به سیستم قضایی اعتراض دارد و خواهان اینست که فشار به خانواده اش پایان داده شود. بی توجهی حکومت و سیستم قضایی حکومت به خواسته های بحق آنها، آنها را به اعتصاب غذا کشانده است. اما حکومت بیرحم اسلامی حتی به اعتصاب غذای آنها و خطری که جان آنها را تهدید میکند نیز توجهی ندارد. نیروی ما قادر است این عزیزان را از چنگ حکومت نجات دهد.

جنبش گسترده ای در ایران و در سطح بین المللی برای آزادی اسماعیل عبیدی و آتنا دائمی به جریان افتاده است. هر معلمی، هر کارگری، هر انسان شریفی میتواند به این جنبش بپیوندد و در حد توان برای آزادی آنها تلاش کند. احوالناسی در این مملکت تردیدی ندارد که دستگیری آتنا و عبیدی بخشی از تلاش حکومت برای جلوگیری از بلندتر شدن صدای آزادیخواهی و عدالت طلبی مردم است. بخشی از تلاش برای عقب راندن زنان و آزادیخواهانی است که هیچ نیرویی قادر به تسلیم کردن آنها نیست، بخشی از تلاش برای عقب راندن معلمان و کارگران است که روز به روز اعتراضات خود را گسترش میدهند و حکومت دیگر مطلقاً قادر به جلوگیری از آن نیست. در سالهای گذشته برای صدها فعال کارگری پرونده امنیتی درست کرده و آنها را به دادگاه و زندان کشانده اند

## این بار جناح خامنه ای مدعی تقلب شد

از صفحه ۱

اما نکته مهم در این ماجرا این نیست. نکته مهم جابجا شدن جایگاه و موقعیت جناحهاست. این جابجا شدن معادله، یعنی اینکه جناح رقیب خامنه ای دست به تقلب علیه جناح تاکنون غالب یعنی ولی فقیه میزند و صدای اینها از تقلب بلند میشود، يك اتفاق تازه و مهم است. این نشان میدهد که بقول معروف کوزه گر خود در کوزه افتاده است و جناح خامنه ای قربانی همان روشها و توطئه گری هایی شده که قبلاً دیگران را به کمک آنها کنار میزد. احتمالاً روحانی بدون تقلب هم رای بالاتری نسبت به رئیسی می آورد. اما با علم به اینکه طرف مقابل هر جا و هر قدر بتواند تقلب خواهد کرد، و از ترس اینکه با تقلبات وسیع رقیب ممکن است بازی را ببازد، متوسل به تقلب شده است.

بهرحال این يك بازتاب مشخص تضعیف موقعیت خامنه ای در درون حکومت است. حقیقت اینست که همانگونه که اشاره شد تضعیف جناح خامنه ای فقط تضعیف يك جناح نیست. بلکه انعکاسی از تضعیف جدی کل حکومت اسلامی و تمام جناحهای آن در برابر مردم است. جمهوری اسلامی بهیچوجه حکومت بیست سال پیش و ده سال پیش و حتی چهار سال پیش نیست. مردم وسیعاً جلو آمده اند. آگاهتر و متشکلاتر شده اند، اعتراضات گسترده است و خشم و نفرت از حکومت نیز بسیار وسیع و عظیم است. کم نبوده است مواردی که کارگران و مردم توانسته اند حکومت را وادار به گردن گذاشتن به خواسته هایشان کنند. در این فضاست که ولی فقیه بعنوان نماینده کل این حکومت مورد خشم و نفرت عظیم همه مردم است و به منفورترین شخصیت در کل جامعه تبدیل میشود.

این فضای خشم و نفرت و اعتراضات به نزاعهای درون حکومت بیشتر دامن زده است و آنها را بیشتر به جان هم انداخته است. بازتاب این فضای اعتراضات را حتی در مناظره های انتخاباتی شان میشد دید که یکی به

ستاد او اعلام کردند که مستندات «تخلف» مورد ادعای خود را به شورای نگهبان و دادستانی کل کشور ارسال کرده اند. شورای نگهبان اخیراً مساله تقلب را برسمیت شناخت اما اعلام کرد که تقلبات در حدی نبوده که نتیجه انتخابات را تغییر دهد و در نتیجه قوه قضائیه باید موارد مشخص را بررسی کند و تصمیم بگیرد. یعنی مساله به بخش بررسی جرم و جنایت احاله داده شده است. برخی امام جمعه ها و رسانه های حکومتی نیز در همین راستا از تقلبات گسترده گزارش و شواهدی را ارائه داده اند.

در ادامه این تصمیم اژه ای معاون قوه قضائیه هم در کنفرانسی خبری اعلام کرد که گزارش های متعددی به قوه قضائیه رسیده است که تا الان در مورد افرادی که پرونده برایشان تشکیل شده يك دسته ستاد نامزدها هستند، يك دسته هواداران نامزدها، برخی خود نامزدها هستند، يك دسته مجریان و ناظران انتخابات بوده اند که در حال رسیدگی است. در رابطه با برخی مسئولان دولتی هم گزارشات و شکایاتی رسیده که پیگیری می شود. برخی به واسطه استفاده از وجوه دولتی برای تبلیغ و خرید رای در انتخابات تفهیم اتهام شدند. جناح روحانی نیز از تقلب گسترده جناح مقابل سخن میگوید و آنها را متهم به تقلبات گسترده کرده است.

این شروع يك کشاکش جدید در حکومت اسلامی است که سرنوشت آن معلوم نیست به کجا بکشد. اما هرچه باشد نزاع در درون حکومت را شدت بیشتری خواهد داد.

کسی در این که جمهوری اسلامی حکومت دروغ و تقلب و دزدی و ریاکاری است تردیدی ندارد. آمار و ارقام و هیچ چیز این حکومت قابل اعتماد و اتکا نیست. اما وقتی که خود حکومتی ها تقلب و دزدیها و جنایات یکدیگر را رو میکنند این تنها موردی است که حقیقتی در آن نهفته است. و به همین دلیل ادعای باند رئیسی به تقلب وسیع در انتخابات اخیر را هم باید باور کرد.

## جنایت هولناک تروریستی در کابل محکوم است

گسیخته نیستند بلکه خود بخشی از صورت مساله اند. تاوان این فجایع بیشمار را مردم مصیبت دیده و بی پناه افغانستان می‌پردازند. می‌توان و باید به این وضعیت دردناک خاتمه داد.

حزب کمونیست کارگری صمیمانه خود را در کنار مردم مصیبت دیده و داغدار افغانستان می‌داند و پیگیرانه از مبارزه جریانات چپ و آزادیخواه و سکولار افغانستان برای رهایی از دولت مرتجع قومی اسلامی و جارو کردن دار و دسته‌های تروریست اسلامی از این کشور دفاع می‌کند. ما مردم آزادیخواه در سراسر جهان و بویژه مردم ایران را فرامی‌خوانیم که دولت‌های مرتجعی که در این وضعیت نقش دارند، از جمله جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار قرار دهند و به رهایی مردم افغانستان یاری رسانند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ خرداد ۱۳۹۶، ۱ ژوئن ۲۰۱۷

صبح روز چهارشنبه ۳۱ مه در اثر انفجار يك کامیون بمب گذاری شده در مرکز محله دیپلماتیک کابل بیش از ۹۰ نفر جان خود را از دست داده و حداقل ۶۱ نفر مجروح شدند. تاکنون هیچ جریانی مسئولیت این اقدام جنایتکارانه را نپذیرفته است. اما شواهد دال بر این است که این کار جریانات اسلامی است.

این انفجار در محله‌ای که مرکز استقرار بسیاری از نهادهای اصلی دولتی، سفارتخانه‌ها و مقر فرماندهی ناتو است و به شدت محافظت میشود، نشان می‌دهد که مردم افغانستان در سایر مناطق این کشور از کوچکترین امنیتی برخوردار نیستند.

افغانستان عملاً به میدان جنگ نیروهای تروریستی اسلامی و رقابت قدرت‌های جهانی و دول منطقه تبدیل شده است. اینها از هر طرف به جان مردم افتاده‌اند. حکومت قومی-اسلامی افغانستان و حامیان آن نیز نه فقط قادر به پایان دادن این توحش افسار

جنبش علیه تخریب محیط زیست در ایران اکنون در اشکال مختلفی نظیر اعتراض به آلودگی هوا در شهرهای بزرگ، اعتراضات به سدسازیهای زیان‌آور و خشک شدن آب رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، اعتراض به پخش پارازیت، اعتراض به افزایش گرد و غبار و مسئله ریز گرد ها در هوا، اعتراض علیه حیوان‌آزایی، اعتراض به شکار حیات وحش، اعتراض به تخریب باغ‌های گیاه‌شناسی جریان دارد. حزب تقویت و گسترش این جنبش را امر و وظیفه مهم خود می‌داند و برای آن مجدداً تلاش می‌کند.

- دامن زدن به گفتمان دفاع از محیط زیست در جامعه از طریق تلویزیون کانال جدید و گروه‌ها و شبکه‌های مدیای اجتماعی، و با برگزاری میزگرد، سمینار، گفتگو، سخنرانی، در داخل و خارج کشور.

- تشویق هر چه بیشتر جوانان و گروه‌های مختلف مردم برای مشارکت در حفظ محیط زیست از طریق تقویت نهادهای غیر دولتی و همچنین ایجاد ان. جی. او های جدید در زمینه محیط زیست و دعوت به مبارزه و اعتراض مستقیم علیه جمهوری اسلامی بعنوان عامل اصلی تخریب محیط زیست در ایران.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۹ مه ۲۰۱۷، ۷ خرداد ۱۳۹۶  
توضیح: اصل این قرار به کنگره دهم حزب ارائه شده بود که به دلیل ضیق وقت مورد بررسی قرار نگرفت و به کمیته مرکزی و نهایتاً به دفتر سیاسی سپرده شد.

یکی از عوارض حاکمیت رژیم اسلامی تخریب بسیار خطرناک محیط زیست است که مدتهاست از مرز هشدار دهنده گذشته است. هوای شهرها منجمد به دلیل تولید و فروش بنزین‌های غیر استاندارد و آلاینده‌های ناشی از فعالیت مراکز صنعتی و استفاده از سوخت‌های فسیلی و یا هجوم ریزگردها به مرز کشنده رسیده است. بسیاری رودخانه‌ها و دریاچه‌ها، دشتهای و تالاب‌ها خشک و در معرض نابودی قرار دارند. گسترش بیابان‌زایی، نابودی و قطع جنگل‌ها و به تازگی بردن منابع آبی کشور جنبه‌های دیگری از فاجعه زیست محیطی در ایران هستند.

آب، هوا و خاک یعنی سه عنصر اصلی در حیات انسان و جانوران و گیاهان در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی سرمایه‌مورد تعرض منافع سودجویانه آقا زاده‌ها و کل سرمایه‌داران بوده است. واژه‌های رایجی نظیر زمین‌خواری، کوه‌خواری، دریاخواری، ساحل‌خواری، رودخانه‌خواری، جنگل‌خواری، بیابان‌خواری مصداق همین واقعیت است. فساد عمیق و رشوه‌خواری در ارگانهای دولتی و نبودن کنترل بر واحد‌های بزرگ صنعتی و کشاورزی عوامل مهم در مسموم شدن هوا، آب و خاک در ایران است.

حزب کمونیست کارگری ایران در راستای سند مصوب دفتر سیاسی حزب به تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۹۳ "در باره تخریب محیط زیست در ایران" بر این اقدامات و سیاستها تاکید دارد:

- حمایت فعال از جنبش علیه تخریب محیط زیست.

### اطلاعیه خبری

### کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

## تهدید تلفنی دو تن از فعالین کارگری از سوی وزارت اطلاعات



کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران تهدیدهای امنیتی علیه فعالین کارگری محمود صالحی و بهنام ابراهیم زاده را محکوم میکند. فعالین کارگری، معلمان و مدافعین حقوق زنان، کودکان و زیست محیطی را فرا می‌خوانیم هر چه گسترده‌تر علیه سیاست "اتهام امنیتی" که مانع فعالیت، فعالین کارگری و معلمان و تشکل‌های مدنی میشوند، متحدانه بایستند.

۱۱ خرداد ۱۳۹۶  
۱ ژوئن ۲۰۱۷

بوده و در حال حاضر از سوی دستگاه قضایی به نه سال حبس محکوم گردیده است. بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و عضو کمیته پیگیری و عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان میباشد که به تازگی در روز یازده اردیبهشت جاری بعد از تحمل نزدیک به هشت سال حبس در زندان اوین و رجای شهر آزاد شد. فعالین کارگری از جمله محمود صالحی و بهنام ابراهیم زاده در حلقه‌ای از حمایت‌های بین‌المللی و داخل کشوری قرار دارند.

تهدید فعالین کارگری و معلمان سیاست‌ناکام حکومت اسلامی است.

بگزارش «کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران، طی چندین تماس تلفنی، از سوی وزارت اطلاعات دو تن از فعالین کارگری اقایان محمود صالحی و بهنام ابراهیم زاده مورد تهدید قرار گرفتند وزارت اطلاعات آقای محمود صالحی را تهدید به بازداشت کرده است آنها دلیل تهدید این دو فعال کارگری را ارتباط با زندانی فرهاد سلمان پور ظهیر که مدت پنج ماهی است در بند ۲۰۹ وزارت در سلول انفرادی بسر میبرد بیان کرده اند. لازم به ذکر است محمود صالحی سخنگو و مسول کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده در زمان دستگیری

انترناسیونال  
نشریه حزب کمونیست کارگری  
سردبیر: بهروز مهرآبادی  
ای میل: anternasional@yahoo.com  
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود